

کمونیست‌ها، طبقه کارگر و مسئله انتخابات

قرار است در دی ماه انتخابات مجلس برگزار شود. اکنون طبقه کارگر توسط رادیو تلویزیون و مطبوعات رنگارنگ تمام جناح‌های بورژوازی بمباران می‌شود تا به نوعی در این انتخابات دخالت نماید. برخی با این استدلال که فضای آزاد برای فعالیت انتخاباتی وجود ندارد آنرا تحریم کرده‌اند و برخی دیگر کارگران و توده‌های زحمتکش را با استدلال خطر جناح راست به شرکت فعال در آن فرا خوانده‌اند.

امروز این سوال اساسی در پیش روی کمونیست‌ها و طبقه کارگر قرار دارد: مواضع کمونیستی در قبال انتخابات چیست؟ آیا طبقه کارگر می‌تواند از دریچه پارلمان یا دخالت در انتخابات پارلمانی از منافع خود در مقابل تعرضات سرمایه‌داری دفاع کند؟

غوغای انتخابات مجلس در ماه‌های اخیر شدت بی‌سابقه‌ای یافته است. جناح‌های درگیر در حاکمیت که در دو جبهه "اصلاح‌طلبان" و "محافظه‌کاران" گرد آمده‌اند می‌کوشند تا با کسب اکثریت در مجلس آینده، موقعیت خود را در ساختار قدرت بهبود بخشند.

انتخابات قرار است در دی ماه برگزار گردد، اما کشمکش جناح‌ها مدت‌ها پیش زمانیکه کاندیدای جبهه دوم خرداد، خاتمی، به ریاست جمهوری دست یافت، آغاز گشت. در ماه‌های اخیر "محافظه‌کاران" کوشیدند تا با اتکاء به ارگان‌های تحت کنترل خود، دستگاه قضایی، مجلس و شورای نگهبان، پیشروی "جبهه دوم خرداد" برای کسب اکثریت در مجلس آینده را سد نمایند.

دستگاه قضایی با تکیه بر دادگاه‌ها و نیروهای انتظامی تحت اختیار خویش تریبون‌های اصلی جبهه دوم خرداد، جنبش دانشجویی و مطبوعات را تحت پیگرد قرار داد. در نتیجه بیش از پنج روزنامه توقیف و برخی از مسئولین آن روانه زندان و حکم اعدام و زندان تعدادی از دانشجویان نیز صادر گشت. مجلس با طرح اصلاح مطبوعات، یک مرحله‌ای کردن انتخابات، کاهش حد نصاب آراء در مرحله اول، از یک سوم به ۲۵ درصد کل آراء و گسترش دامنه اختیارات شورای نگهبان، خواست تا راه را برای ورود کاندیداهای "محافظه‌کاران" به مجلس هموار نماید. و شورای نگهبان که انحصار تایید صلاحیت کاندیدها را در اختیار دارد کوشیده است تا از دریچه حذف برخی عناصر اصلی لیست "اصلاح‌طلبان" این سناریو را تکمیل کند.

جبهه دوم خرداد نیز به سهم خود تلاش کرد تا از موقعیت پیش آمده و اقدامات "محافظه‌کاران" به نفع خود سود جوید. آنها با آگاهی به نقش مطبوعات و تبلیغات، در مقابل بسته شدن هر روزنامه‌ای روزنامه جدید دیگری را از

طریق وزارت ارشاد که در اختیار خود دارند منتشر نمودند.

دانشجویان همچنان با برگزاری گردهم‌آیی‌های متعدد و به‌گردن انداختن عکس محکومین دادگاه‌ها و از جمله عبدالله نوری، برای تضمین پیروزی جبهه دوم خرداد نیرو گردآوری می‌کنند. سرمایه‌داری جهانی که بر پایه منافع درازمدت اقتصادی و سیاسی طبقه سرمایه‌دار، در حال حاضر پلاتفرم جبهه دوم خرداد را به منطق خویش نزدیک‌تر می‌یابد، با دعوت از خاتمی برای سفر به این کشورها، بهبود روابط بازرگانی، بانکی و بستن قراردادهای عظیم نفتی، تبلیغات پر دامنه‌ای را از کانال رسانه‌های جمعی تحت کنترل خود برای پیروزی جبهه دوم خرداد سازمان داده است.

شوراهای اسلامی، خانه کارگر و در یک کلام حزب کار اسلامی در جبهه دوم خرداد، با فعالیت گسترده خود در میان کارگران می‌کوشند تا با به کنترل درآوردن اعتراضات کارگری از پتانسیل این جنبش در تصفیه حساب‌های حکومتی سود جویند و آنرا به نفع جبهه دوم خرداد به صحنه کشاند. طی دوره اخیر مرکزی‌ترین تاکتیک آنها این بوده است تا نشان دهند که عدم موفقیت خاتمی در بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران، کاهش دستمزدهای واقعی، بیکارسازی‌های گسترده، افزایش مزمن تورم، وخامت اوضاع درمانی و . . . از یکسو به دو دهه سیاست‌های اقتصادی ناهنجار دولت رفسنجانی و از سوی دیگر به مانع‌تراشی‌های "محافظه‌کاران" در مقابل "اصلاحات اساسی" جبهه دوم خرداد گره خورده است. کشاندن کارگران به خیابان‌ها در اول ماه مه، مخالفت با طرح معافیت مالیاتی کارگاه‌ها، تغییر قانون کار و حمله به اتاق بازرگانی به عنوان عامل اصلی وخامت بار اقتصادی، چنین هدفی را نشانه رفته است.

اپوزیسیون و انتخابات

اینبار نیز مسئله انتخابات همانند انتخابات ریاست جمهوری از اهمیت بسزایی در نزد اپوزیسیون قانونی و غیرقانونی برخوردار گشته است. در این میان بخش وسیعی از اپوزیسیون، کارگران و توده‌های زحمتکش را فراخوانده است تا با شرکت فعال در انتخابات و ریختن رای به نفع جبهه دوم خرداد، کوشش‌های "محافظه‌کاران" را عقیم سازند. جناح چپ دستگاه سیاسی سرمایه‌داری نیز که شرکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری را با عباراتی چون "تشخیص صحیح مردم" (۱) و اینکه "این حرکت عظیم شما انقلاب بهمن سال ۵۷ را به یاد می‌آورد" (۲) ستوده بودند همانند همیشه سخن از اهمیت انتخابات و تحرک مردم رانده‌اند. این بار نیز اپوزیسیون چپ به دو دسته تحریم‌کنندگان و شرکت‌کنندگان تقسیم شده است. برخی مانند راه کارگر با برجسته کردن خطر ولایت فقیه شرم‌گینانه کارگران را فرا می‌خواند به نفع "افراد مستقل" جبهه دوم خرداد وارد صحنه شوند. اما فداییان اقلیت، تروتسکیست‌ها، مائوئیست‌ها و نشواستالینیست‌ها انتخابات را تحریم نموده‌اند. استدلال این دسته در تحریم انتخابات تنها نشان می‌دهد که آنها تا چه درجه‌ای به دستگاه سیاسی سرمایه‌داری چفت و بست شده‌اند. فداییان اقلیت نظر همه تحریم‌کنندگان را یکجا در اطلاعیه مطبوعاتی خود جمع کرده است. آنها به این جهت در این انتخابات شرکت نمی‌جویند که:

" . . . در جمهوری اسلامی چیزی به نام انتخابات به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. در جایی که مردم از آزادی‌های سیاسی محروم‌اند و تشکل‌های سیاسی و صنفی واقعی مردم وجود ندارند و آنها نمی‌توانند افراد مورد اعتماد خود را کاندیدا و به آنها رای دهند، چه بحثی از انتخابات می‌تواند در میان باشد. رژیم جمهوری اسلامی

از طریق وزارت کشور و شورای نگهبان تعدادی از افراد مطمئن و وابسته به خود را دستچین میکند و به مردم می‌گوید حالا شما مجازید از میان افرادی که من تأیید کرده‌ام به کسانی رای دهید. این انتخابات نیست . . . توده مردم ایران باید آنرا تحریم کنند" (فدائیان اقلیت _ کار شماره ۳۳۳ سال بیست و یکم)

مدافعین مواضع بالا بروشنی ابراز می‌دارند که به این دلیل در این انتخابات شرکت نمی‌کنند که این انتخابات آزاد نیست. جمهوری اسلامی شرایط و فضای آزاد و ضروری برای دخالت همه احزاب و سازمان‌ها را در فعالیت‌های انتخاباتی فراهم نیاورده است و تنها "تعدادی از افراد مطمئن و وابسته به خود را دستچین می‌کند" و از مردم می‌خواهد که به آنها رای بدهند.

بعبارت دیگری آنها به این دلیل انتخابات را تحریم می‌کنند، که به آنها اجازه داده نمی‌شود تا بطور آزادانه کاندیداهای خود را معرفی نمایند. این دسته نه به نفس انتخابات پارلمانتاریستی بلکه به شرایط و چگونگی برگزاری آن معترض‌اند. همانگونه که تجربه سال‌های اوایل به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، آنجا که هنوز تا درجه‌ای فضای فعالیت آزاد وجود داشت، جملگی این نیروها یا نمایندگان را برای مجلس و ریاست جمهوری معرفی کردند یا از کاندیداهای نزدیک به خود حمایت نمودند. بدین ترتیب تحریم کنندگان و شرکت کنندگان جبهه چپ در یک نکته اشتراک نظر دارند. اینکه گویا با راهیابی کاندیداهای آنها به مجلس در یک انتخابات آزاد، سرمایه‌داری می‌تواند به رهبری آنان و با وجود پارلمان بر تناقضات خود فایق آید و چهره انسانی و بهتری به خود گیرد. بدین شکل آنها با همه جمله‌های زرق و برق‌داری که درباره سرمایه‌داری می‌زنند عملاً در اردوی سرمایه‌داری قرار گرفته، در درون طبقه کارگر سردرگمی سیاسی ایجاد می‌نمایند.

صرفنظر از اینکه "محافظه‌کاران" موفق شوند تا از پیروزی "اصلاح‌طلبان" ممانعت نمایند یا خود موقتاً صحنه را ترک کنند و یا توازن قوایی بوجود آید، هدف نهایی طبقه سرمایه‌دار به عنوان یک مجموعه و مدافعین چپ و راستش در اپوزیسیون این است که تا با به میدان کشاندن کارگران حول انتخابات برای پارلمانتاریسم وجه کسب کنند. آنها در عمل می‌کوشند تا این واقعیت آشکار را از چشم کارگران مخفی سازند که، حتی در دمکراتیک‌ترین انتخابات پارلمانتاریستی، کارگران و توده‌های زحمتکش از هرگونه قدرت و تاثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها و اداره جامعه محروم‌اند.

کمونیست‌ها، طبقه کارگر و مسئله انتخابات

اکنون که طبقه کارگر توسط رادیوها، تلویزیون و مطبوعات تمام جناح‌های بورژوازی بمباران می‌شود تا بنوعی بر سرنوشت انتخابات تاثیر بگذارد، امروز که کلیه احزاب، سازمان‌ها، روشنفکران و دانشجویان ما را به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند، امروز که جنایتکاران خط امامی و سازمان‌دهندگان انقلاب فرهنگی و بنیانگذاران سازمان امنیت رژیم دم از آزادی می‌زنند و برای تحقق جامعه مدنی روزنامه منتشر می‌کنند، مواضع کمونیست‌ها چیست؟ آیا کارگران می‌توانند از دریچه پارلمان یا دخالت در انتخابات پارلمانی از منافع خود در مقابل تعرضات سرمایه‌داری دفاع نمایند؟

کمونیست‌ها مواضع خود را بر معیارهای تجربی یا اخلاقی استوار نمی‌کنند. نقطه عزیمت آنها در اتخاذ مواضع و تاکتیک سیاسی بر ارزیابی علمی از تکامل جامعه و شرایط عینی بنا شده است. در دوره‌ای از حیات جامعه آنجا

که سرمایه‌داری نقش مترقی‌ای در تکامل جامعه ایفا می‌نمود، انترناسیونال دوم با دخالت در مبارزات پارلمانی کوشید تا اصلاحاتی را به سرمایه‌داری تحمیل نماید. اما توسعه سرمایه‌داری و ورود آن به جنگ جهانی اول نشان داد که بحران سرمایه‌داری به بحرانی جهانی تبدیل شده و سرمایه‌داری آلترناتیو دیگری جز جنگ برای عرضه در چنته ندارد. این مسئله دور جدیدی در تاریخ سرمایه‌داری، دوران امپریالیسم، و عصر جدیدی از فعالیت انقلابی را بنمایش گذاشت. بدین مفهوم که سرمایه‌داری با ورود به مرحله امپریالیسم و ارائه آلترناتیو، جنگ – بازسازی – بحران، برای بشریت، استفاده از ابزارهای رفرمیستی مانند پارلمان را منتفی ساخته و مبارزه مستقیماً کمونیستی در دستور کار کمونیست‌ها قرار گرفت.

بر پایه چنین چهارچوبی بود که انترناسیونال سوم در کنگره دوم خود در تزهایی درباره پارلمانتاریسم با اشاره به عصر جدید سرمایه‌داری، عصر جنگ و انقلابات، اعلام داشت:

"پارلمان به وسیله‌ای برای دروغ‌پردازی، فریبکاری، خشونت و نق‌زدنهای خسته‌کننده تبدیل شده است. با غارت، ویرانی، تجاوز، میلیتاریسم و ویرانی‌های امپریالیسم، رفرم‌های پارلمانتاریستی بدون هیچ ثبات یا اثری معنی واقعی خود را برای توده‌های کارگر از دست می‌دهد."

این موضع انقلابی توسط اپورتونیست‌ها به تاکتیک "پارلمانتاریسم انقلابی"، "درهم شکستن پارلمان از درون" یا مکانی برای "تبلیغات کمونیستی" تغییر ماهیت داد و کارگران فراخوانده شدند تا با دخالت در انتخابات، احزاب به اصطلاح کارگری را به قدرت برسانند. تنها، فراکسیون چپ کمونیست ایتالیایی به رهبری بوردیگا بود که در درون انترناسیونال بر علیه چنین تاکتیک‌هایی به مقابله برخاست و اعلام نمود که:

"در عصر تاریخی کنونی هیچ امکانی برای کاربرد پارلمانتاریسم برای کار انقلابی کمونیستی وجود ندارد"

اکنون نیز مانند دیروز وظیفه ما کمونیست‌هاست که از سویی با سردرگمی‌هایی که بورژوازی و جناح چپ آن درباره پارلمانتاریسم و دمکراسی بورژوایی در میان طبقه کارگر می‌پراکند مبارزه نمائیم و از سوی دیگر در مقابل جار و جنجال‌های انتخاباتی، مبارزه طبقاتی را در مرکز توجه قرار دهیم. مدتهاست که:

"دمکراسی پارلمانتاریستی صرفاً وسیله‌ای است برای پوشش دیکتاتوری بورژوازی. ارگان‌های واقعی قدرت در جوامع دمکراتیک سرمایه‌داری در خارج از پارلمان، در بوروکراسی دولتی، در دست نیروهای امنیتی بورژوازی و کنترل‌کنندگان نیروهای تولیدی قرار دارد. پارلمان با ایجاد توهم انتخاب هیئت حاکمه توسط کارگران، برای بورژوازی مفید است. بنابر این انقلابیون مخالف انتخابات پارلمانی هستند و کارگران را به پیکار با بورژوازی در حوزه طبقاتی خودشان فرا می‌خوانند. این به عهده حزب انقلابی است که نشان دهد فقط از طریق انهدام سرمایه‌داری و ارگان‌های دولتی است که طبقه کارگر امکان آزادی کامل بیان و عمل را بدست می‌آورد"

(پلاتفرم بوروی انترناسیونال برای حزب انقلابی) (۳)

امروز طبقه ما در مقابل آلترناتیوهای جعلی تحریم‌کنندگان یا شرکت‌کنندگان در انتخابات قرار ندارد. امروز طبقه ما در مقابل این سنوال قرار دارد که، آیا از طریق دخالت در انتخابات پارلمانی می‌تواند از منافع خود در مقابل

تعرضات سرمایه داری دفاع نماید؟

برای پاسخ به این سوال باید به حافظه تاریخی طبقه خود به مثابه یک طبقه جهانی بنگریم. تجربه کارگران کشورهای دیگر، تجربه ۵۰ سال حکومت شاهنشاهی و ۲۰ سال جمهوری اسلامی بروشنی نشان داده است که امکان بهبود اساسی زندگی کارگران از کانال سیرک های انتخاباتی وجود ندارد. تجربه آشکار ساخته است که فراکسیون های بورژوازی با هر وعده وعید شیرینی که به قدرت رسیده اند وحشیانه تر از پیشینیان خویش به طبقه کارگر حمله کرده اند.

با به قدرت رسیدن خاتمی نیز نه تنها هیچ تغییری در اوضاع زندگی کارگران و توده های زحمتکش بوقوع نپیوست، بلکه مزدهای واقعی کاهش یافت، اوضاع درمانی وخیم تر گشت و خیل عظیمی از کارگران به اردوی بیکاران پرتاب شدند. طبیعی است که در چنین شرایطی سرکردگان و ایدئولوگ های جبهه دوم خرداد مجبورند تا به نابسامانی های برجای مانده از دولت رفسنجانی و کارشکنی های "محافظه کاران" دخیل بندند. همانگونه که رفسنجانی در حمله به سطح زندگی کارگران، خرابی های جنگ را مستمسک قرار می داد. این حيله هميشگی همه جناح های طبقه حاکم است.

بر این پایه یک چیز را با اطمینان می توانیم بگوئیم، و آن اینکه با پیروزی خاتمی و یا هر جناح دیگری، آنها حملات ناتمام خود را به طبقه کارگر، اینبار با قدرت بیشتری پی خواهند گرفت. آلترناتیو جبهه دوم خرداد که در برنامه اقتصادی دولت خاتمی برای احیای اقتصاد "بیمار" ایران منعکس شده است، مانند همه رژیم های سرمایه داری دیگر جهان، تنها از کانال بهبود شرایط سودآوری سرمایه و حمله به سطح زندگی کارگران خواهد گذشت. به همین جهت طبقه کارگر و پیشروان آن می بایست به این حقیقت آگاه باشند که شرکت در انتخابات پارلمان تارستی تنها به پراکندگی میان طبقه ما دامن خواهد زد و همبستگی طبقاتی مان را تضعیف خواهد نمود. ما تنها یک راه در پیش رو داریم:

مبارزه مشترک بر علیه کاهش دستمزدها، صرفه جویی های اقتصادی، بیکارسازی های گسترده، و بر علیه کل دستگاه دولتی سرمایه داری. تنها و تنها از این دریچه است که ما می توانیم از منافع طبقاتی خود دفاع نمائیم.

شرکت در انتخابات پارلمانی تنها نشان می دهد که درباره پارلمان تارسیسم بورژوازی توهم وجود دارد. این موضوع اثبات می کند مادامی که حزب بین المللی کارگری شکل نگرفته است، مادامی که پرولتاریا مبارزه خود را آگاهانه و با برنامه انقلابی در سطح بین المللی گسترش نداده است، مادامی که مبارزه طبقه به مبارزه ای برای درهم شکستن سرمایه داری، به مبارزه ای برای کسب قدرت تبدیل نشده است، این توهم پابرجا خواهد ماند.

سام میکائیلیان

زیر نویس ها:

- ۱- حزب کمونیست کارگری
- ۲- راه کارگر
- ۳- پلاتفرم دفتر بین المللی برای حزب انقلابی را می توانید به فارسی از طریق ما تهیه نمایید.